■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسئول: مهدی گیوه‌کی

دوشنبه ۵ دی ۱۴۰۱ | ۲ جمادی‌الثانی ۱۴۴۴ | ۲۰ صفحه | سال بیست‌وسوم - شماره ۶۳۹۱ | Tuesday - Dec 26, 2022

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹ ■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰-۰۲۱
■ دورنگار تحریریه: ۲۳۰۰۴۴۳۳ ■ سازمان توزیع: ۶۱۹۳۳۱۱۵ ■ کدپستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۶۱۹۳۳۱۱۵ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰ ■ شماره پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰
■ تلفن گویا: ۲۳۰۰۴۴۴۴ ■ چاپ: چاپخانه روزنامه جام جم
■ شاپا: ISSN1735-3637 ■ پایگاه اطلاع‌رسانی روزنامه: www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

امروز در تاریخ

■ سالروز زمین‌لرزه بم به شدت ۶٫۶ ریشتر/ ۱۳۸۲
■ زادروز رضا ناجی، بازیگر/ ۱۳۲۱
■ زادروز شهلا ناظریان، صداپیشه/ ۱۳۲۲
■ سالمرگ ایرج بسطامی، خواننده موسیقی سنتی/ ۱۳۸۲

واحه

تا که ننشیند به دامانت غبار از خاک ما
روی گیتی را ز آب دیده تر خواهیم کرد
بهار

اوقات شرعی

اذان ظهر: ۱۲:۰۵	غروب آفتاب: ۱۶:۵۷
اذان مغرب: ۱۷:۱۸	نیمه‌شب شرعی: ۲۳:۲۰
اذان صبح (فردا): ۵:۴۳	طلوع خورشید (فردا): ۷:۱۳

پیشخوان

فراموشی

«مرد میانسالی به صندلی لم داده و از پنجره به نقطه‌ای روی سکوی ایستگاه خیره شده است. مامور نظافت واگن نزدیک می‌شود و می‌گوید: این آخرین ایستگاه است. اگر مقصد دیگری دارید باید قطار عوض کنید. مرد حرفش را قطع می‌کند و می‌پرسد: من کجا هستم؟...»

«فراموشی» رمان مهجوری است، نه نویسنده‌اش در دار و دسته خاصی قرار دارد و نه اثر چنان جنجال‌برانگیز است که بخواهد پرهیاهو باشد اما اثر چنان در مواقعی تکان‌دهنده است که هر خواننده‌ای را میخکوب می‌کند. فراموشی روایت جواد پویان از قصه مهاجرت است. تمی که بسیار مورد توجه نویسندگان قرار گرفته و آثار بسیاری هم در این باره نوشته شده اما فراموشی هیچ گاه به ورطه تکرار و کلیشه در آثار مشابهش نمی‌غلتد. این اثر از نثری روان و بی‌خدشه برخوردار است. نویسنده در روند شکل‌گیری رمان، گذشته از یکی دو توضیح ضروری، با نگاهی دوربین‌وار به فضای زندگی اروپایی و ایرانی، متناسب با دنباله‌گیری رویدادها، به زیبایی آن را بازسازی می‌کند. درست مثل این که در حال دیدن فیلمی هستیم. فراموشی، نخستین رمان جواد پویان است که انتشارات نیلوفر آن را منتشر کرده است. این رمان در شش فصل به نام‌های در یدوقوپ، در ادنسه، در دسا، در لواسانات، در نووک و در بغداد، به زندگی یک نقاش و کارگردان تئاتر ایرانی به نام فرید خوشنویسان می‌پردازد که حالا در دانمارک زندگی می‌کند. او مبتلا به نوع نادری از بیماری فراموشی است که از مدخل بحران‌های ناشی از آن، نویسنده فرصتی برای نگاه به مهاجرت در سال‌های پس از انقلاب یافته است.

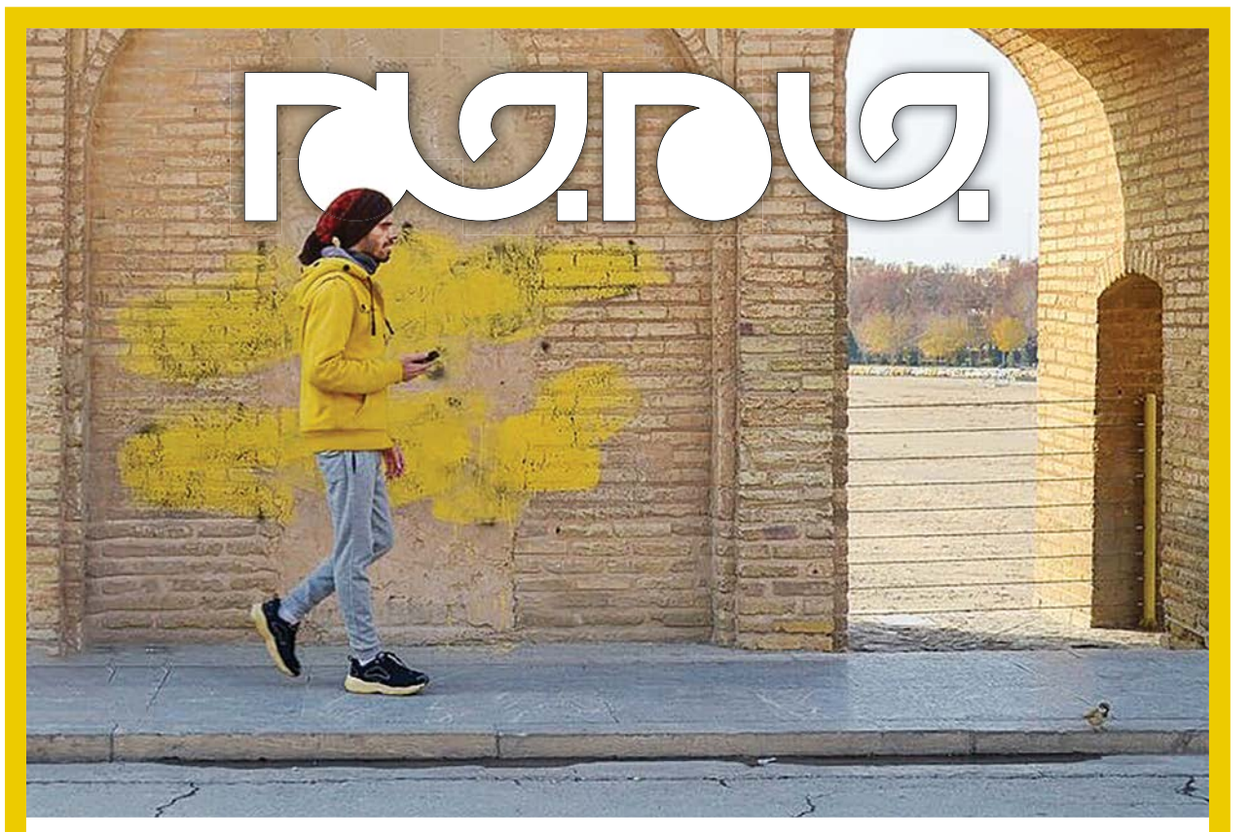

زخم یادگاری به تن یادگارها

چگونه وندالیسم آثار تاریخی به نابودی فرهنگ کشور می‌انجامد؟

رابطه ما با آثار تاریخی‌مان رابطه پرفراز و نشیب و البته عجیبی است. در رسانه‌ها و در پیشگاه غریبه‌ها همواره به داشتن چنین آثاری تفاخر می‌کنیم و در مواجهه با خود این آثار، گاه دست به تخریب عجیب آنها می‌زنیم. تازه‌ترین نمونه از این پدیده که البته نام «وندالیسم آثار تاریخی» را به خود گرفته، مجموعه عکسی از پل تاریخی سی و سه پل اصفهان است، پلی که حالا سرشار از یادگارنوشته‌های بازدیدکنندگان این سازه تاریخی است.

وندالیسم، تخریب کنترل‌نشده اشیا و اموال عمومی است که از عجیب‌ترین ناهنجاری‌های فردی و اجتماعی به‌حساب می‌آید و دلایل مختلفی برای آن عنوان می‌شود. البته جامعه‌پژوهانی هستند که ناسازگاری‌های حاکم بر روابط فرد و جامعه، تضعیف و فروپاشی اقتدار اخلاقی در تنظیم روابط بین افراد و تزلزل نهادهای خانواده و جامعه در انتقال ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی را از مهم‌ترین دلایل این پدیده می‌دانند. بررسی‌های روان‌شناسانه و تربیتی صورت گرفته هم نشان می‌دهد وندالیسم غالبا اکتسابی است و از شرایط محیطی ناشی می‌شود. نوجوانان و جوانان متهمان اصلی این نوع رفتارهای خرابکارانه هستند و وضعیت اجتماعی جوامع نظیر سطح درآمد، امکانات رفاهی و معیشتی، تفاوت‌های طبقاتی، مهاجرت و... وقوع آن را تشدید می‌کند.

اگر قائل به این گزاره صحیح باشیم که وندالیسم در واقع ناشی از سرخوردگی، انتقام‌گرفتن‌ها، خشم، هیجانات تخلیه‌نشده یا جلب توجه است و خسارات بسیاری بر جا می‌گذارد حالا باید نگران وضعیت روانی جامعه‌ای باشیم که بی‌محابا دست به تخریب آثار تاریخی می‌زند، آثاری که برخی از آنها از گزند حمله‌های دشمنان و بلایای طبیعی جان سالم به در برده‌اند و حالا دچار بلای عجیبی شده‌اند که از آن گریزی ندارند.

فارغ از پیشگیری‌های محدود صورت‌گرفته، قانون هم در این باره صراحت آشکاری دارد به این معنا که در ایران هم بر اساس ماده ۵۵۸ قانون مجازات اسلامی، تخریب اموال تاریخی- فرهنگی جرم محسوب شده و برای آن متناسب با نوع آسیب و تخریب اثر مجازات در نظر گرفته‌شده است. بر این اساس هر کس به تمام یا قسمتی از ابنیه، اماکن، محوطه‌ها و مجموعه‌های فرهنگی- تاریخی یا مذهبی که در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده، یا تزئینات، ملحقات، تأسیسات، اشیا و لوازم و خطوط و نقوش منصوب یا موجود در اماکن مذکور که مستقلاً نیز واجد حیثیت فرهنگی- تاریخی یا مذهبی باشد، آسیبی وارد آورد؛ علاوه بر جبران خسارات وارده، به حبس از یک تا ۱۰ سال محکوم می‌شود.

تخریب این آثار به بهانه یادگاری نوشتن، درواقع زنده‌کردن خاطرات یک سفر یا بازدید نیست بلکه ردپای شومی است که نه‌تنها نسل کنونی بلکه نسل‌های بعدی نیز از آن به نیکی یاد نخواهند کرد.

افرادی که از آثار تاریخی و فرهنگی دیدن می‌کنند در واقع متفاوت هستند، یک دسته کسانی که با شناخت کافی از آثار بازدید می‌کنند و در طول بازدید ضمن احترام به اثر تاریخی تمام تلاش خود را برای خودداری از هرگونه آسیب به آن به کار می‌گیرند و دسته دیگر را افرادی تشکیل می‌دهند که به‌صورت بی‌هدف، گذری و بدون آگاهی از ارزش‌های فرهنگی اثر از آن بازدید می‌کنند و در اغلب موارد چنین افرادی هستند که اگر پیش آید از تخریب‌گری و واردکردن آسیب به مکان فرهنگی دریغ نمی‌کنند.

در سال‌های اخیر آسیب‌های عمدی به آثار تاریخی در قالب کاوش‌های غیرمجاز در سودای کشف اشیای تاریخی و تب گنج‌یابی نتایج مخربی را به همراه داشته و در برخی موارد یک اثر تاریخی را به کلی نابود کرده است، اینجاست که لزوم معرفی آثار تاریخی و فرهنگی به روش‌های گوناگون و آموزش و آگاهی‌رسانی عمومی می‌تواند نجات‌بخش باشد.

متولیان فرهنگ، رسانه‌ها و گروه‌های فرهنگی و دوستدار آثار تاریخی به‌خصوص نهادهای محلی می‌توانند با به تصویرکشیدن چهره ناخوشایند آثاری که مورد هجمه وندال‌ها قرار گرفته‌اند و نتایج منفی آن بر جامعه ضمن تأثیرگذاری بر مرتکبان، در افراد بومی منطقه ایجاد حساسیت کرده، آنها را ترغیب به همکاری در حفاظت بیشتر از این اماکن و آثار کنند.

حکمت

امام سجاد(ع):

هر کس به تقسیم الهی قانع باشد از بی‌نیازترین مردم است.

تحف‌العقول

خبر روز

کسب درآمد از بی‌خوابی دیگران

آمریکایی‌ها، تجارت میلیارد دلاری از بی‌خوابی شهروندان‌شان دارند

آیسا اسدی
روزنامه‌نگار

در دنیای امروز، بیماری بی‌خوابی و مشکلات اختلال خواب به یک همه‌گیری جهانی بدل شده است و تقریبا تمامی جوامع در کشورهای مختلف با این مشکل که تاثیر زیادی بر سایر جنبه‌های زندگی چون تعاملات اجتماعی، مسائل اقتصادی و از همه مهم‌تر بهزیستی می‌گذارد، درگیر هستند اما آیا واقعا متخصصان و شرکت‌های داروسازی به درمان این بیماری فکر می‌کنند؟ یا این به تجارتی تمام‌نشدنی بدل شده که سود سرشاری برای‌شان به همراه می‌آورد؟ به گفته شرکت تحقیقات بازار ایمارک، سود بازار جهانی بی‌خوابی امسال به ۵/۱ میلیارد دلار برآورد شده و این رقم تا سال ۲۰۲۸ به ۶/۱ میلیارد دلار خواهد رسید. این ارقام شامل هزینه برای داروهای تجویزی، داروهای خواب بدون نسخه، تجهیزات پزشکی و انواع دیگر درمان‌ها می‌شود.

دانیل اریکسن، پزشک متخصص اختلال خواب سابق که اکنون مربی خواب است، معتقد است که راهکارهای فعلی دیگر برای مردم کارساز نیست. این پزشک سابق فکر می‌کند وقت آن رسیده که رویکردهای جدیدی ارائه شود.

دکتر اریکسن حدود یک دهه را به عنوان متخصص اختلال خواب کار کرد و عمدتا به درمان بیمارانی پرداخت که با آپنه خواب و بی‌خوابی دست و پنجه نرم می‌کردند. حرفه او در اوایل سال گذشته، زمانی که از کار بیمارستانی خود در اورگان اخراج شد، تغییر چشمگیری پیدا کرد. علت اخراج این پزشک ۴۲ ساله از کارش این بود که او تجویز قرص‌های خواب‌آور را برای بیماران متوقف کرده بود و اکثرا از ارجاع آنها برای آزمایش‌های گرانقیمت و وقت‌گیر که به نظر او بی‌معنی و غیرضروری بودند، خودداری می‌کرد. اریکسن به طور ناگهانی به یک ضد دارو تبدیل نشد. او پس از سال‌ها گوش دادن به بیماران که به توصیف مبارزه‌شان با بی‌خوابی و تلاش‌های مذبوحانه‌شان برای یافتن مکمل، اسانس، چای گیاهی، تمرین یوگا یا قرص‌های تجویزی که مشکل‌شان را برطرف می‌کند، می‌پرداختند به این نتیجه رسید که مشکل بیماران نیستند، بلکه مشکل روش‌های درمانی است.

ایمارک در گزارش خود به همه‌گیری کووید-۱۹ نیز اشاره می‌کند که تغییرات بی‌سابقه‌ای در زندگی ایجاد کرد؛ از جمله انزوای اجتماعی و چالش‌های بی‌شمار کاری و تعهدات خانوادگی. این همه‌گیری به عنوان یک رویداد استرس‌زای بزرگ عمل کرد و بر خواب انسان‌ها نیز تاثیر گذاشت. الگوهای مشکلات خواب میلیونی بودند و در نتیجه سود رشد این بازار را تقویت کردند. حتی قبل از همه‌گیری، صنعت فناوری راه‌های زیادی برای استفاده از مشکل خواب و تمایل انسان‌ها برای بهینه‌سازی آن و در نتیجه درآمدزایی پیدا کرده بود؛ برنامه‌ها، اپ‌ها، حلقه‌های هوشمند و ردیاب‌های خواب بهترین نمونه‌های این تجارت سودآور هستند. در حال حاضر متاسفانه بی‌خوابی به یک فوبیا تبدیل شده و ترس از نخوابیدن افراد را دچار استرس و پریشانی می‌کند. پس از گوش دادن به صدها داستان از افراد مبتلا به مشکلات خواب، دکتر اریکسن به این باور رسید که صنعت پزشکی به اشتباه بی‌خوابی را به عنوان یک اختلال خواب طبقه‌بندی کرده و آن را با افسردگی، اضطراب و اختلالات روان‌پریشی دسته‌بندی می‌کند.

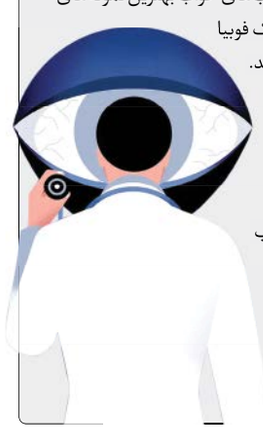

بیشتر افراد دچار بیماری بی‌خوابی نیستند، بلکه آنها تنها چند شب بدخوابی را به دلیل یک بیماری یا رویداد استرس‌زا تجربه می‌کنند. وقتی خواب عادی برنمی‌گردد، آنها در حالت وحشت کامل قرار می‌گیرند، فکر می‌کنند بیمار هستند و نیازمند دارو و درمان در صورتی که آنها تنها فراموش کرده‌اند که چگونه بخوابند.

پرسه

چین و کرونا؛ یک رابطه عجیب

چین در تلاش است با افزایش تعداد کادر درمان و تخت‌های مراقبت‌های ویژه، خود را در برابر موج جدید کووید-۱۹ آماده کند. فوتی‌های ناشی از کرونا در این کشور برای مدتی طولانی «صفر» بود، اما این کشور در ۲۴ ساعت گذشته از فوت پنج بیمار خبر داده است. کووید صفر باعث شده بود این کشور طی سه سال اخیر، کرونا را کنترل کند. اما تازه‌ترین خبرها در رابطه با فراگیری دوباره کرونا در این کشور حکایت دارد که ۵۰۰ هزار مبتلای روزانه در این کشور وجود دارد. هر چند این کشور از همین دیروز اعلام رسمی آمار مبتلایان را متوقف کرده اما رابطه چین و ویروس کرونا حالا وارد مرحله تازه‌تری شده است.

کیوآرکد را اسکن کنید

عربستان غرق شد!

چند روزی است شهر «مکه» در عربستان سعودی، با وقوع سیل روبه‌رو شده است. طبق گزارش‌ها، این شهر وضعیتی بحرانی پیدا کرده و جریان شدید سیل، بسیاری از خودروها را در خود گرفتار و وضعیت بحرانی ایجاد کرده و حتی باعث تعطیلی مدارس، تاخیر در پروازها و اختلال در ترافیک شده است، اما هنوز از میزان خسارت و تلفات انسانی این سیل گزارشی منتشر نشده است. در این میان اعتراض‌های بسیاری هم در رابطه با مدیریت بحران در این کشور از سوی شهروندان عربستانی پا گرفته است، آنها معتقدند با وجود اعتبارات فراوان، ناکارآمدی سیاستمداران در مهار سیلاب‌ها مشهود بوده است.

کیوآرکد را اسکن کنید

عکس روز

هیجان سپید

لذت برف‌بازی، تفریحی است که هیچ گاه تکراری نمی‌شود، برفی که در کار نبوده اما هنوز خاطره برف‌بازی ما همواره همراه‌مان است. پیست اسکی و هیجان آن هم معمولا متعلق به طبقه برخوردار بوده، نهایت تفریح ما با برف در سال‌های اخیر یک تیوب بادشده ماشین سنگین بوده تا روی آن از تپه‌ای برفی سُر بخوریم. هر چند می‌توان از فضای هیجانی شکل‌گرفته در پیست‌ها هم لذت برد! چیزی که از عکس چاوش هماوندی در این روزهای برفی مشخص است.

چهارراه

روزی که بم فرو ریخت

نگاهی به ۴ زلزله هولناک ایران به مناسبت سالروز زلزله بم

هنوز صدای گرفته بهروز رضوی درست ۱۹ سال پیش توی گوش ما زنگ می‌خورد. آرام و متین اما تلخ صدایش در گوش میلیون‌ها ایرانی پیچید؛ «بم فرو ریخت». دل ما هم همراه با خبر ریخت، حال‌مان دگرگون شد، هنوز از اینترنت و وسایل پیشرفته ارتباطی مثل این روزها خبری نبود، چشم‌مان به شبکه‌های تلویزیونی دوخته شده بود، به گریه گزارشگر تلویزیون که پرسه می‌زد در کوچه‌های خاک‌خورده شهر و نمی‌توانست از حجم آوار این حادثه بیرون بیاید تا گزارش خبری‌اش را به گوش ایران برساند. آرام‌آرام عکاس‌ها رسیده بودند بم، خبر دادند از فضای شهر. عکس‌ها مخابره می‌شد، تلی از جنازه‌های پتوپیچ‌شده کنار کوچه‌ها، مردی که دو فرزند خردسال جانباخته‌اش را روی دوش دارد و به سمت گورستان می‌رود، این تصویر از قاب دوربین «عطا طاهرکناره» هنوز هم یکی از نمادهای این حادثه تلخ است. صدای ایرج بسطامی خاک می‌شود، توی گوش همه ما یکباره ترانه ماندگار «گل‌پونه‌ها» پخش می‌شود، ترانه‌ای که به آوار بم گره خورده است اما از دشت و دمن و گلستان می‌گوید. خبرها حالا سرعت گرفته، عکس‌های پیش روی ما تمام قد جلد روزنامه‌ها می‌شود، امیدهای کوچکی هم هست، این که کودکی خردسال بعد از سه روز زنده از زیر آوار بیرون آمده. سوگواران هنوز ناباور به تل خاک‌ها نگاه می‌کنند. کنار این فاجعه انسانی یک تاریخ هم آوار می‌شود. بزرگ‌ترین سازه خشتی جهان با لرزه ۶/۶ ریشتری صبح جمعه ۸ دی ۸۲ خاک می‌شود. مردم ایران همچون همه بزنگاه‌های این‌چنینی پا پیش می‌گذارند. کمک‌های جهانی هم گسیل شده است. حالا و پس از نزدیک به دو دهه از آن روز هنوز تصویر این اتفاق زنده است. انگار همین دیروز بود که بم لرزید و نزدیک به ۳۰ هزار جان عزیز را خاک کرد.

۱۲۸۷، بروجرد- ۷/۳ ریشتر

بهمن ۱۱۰ سال پیش دشت سیلاخور ایران با قدرتی معادل ۷/۳ ریشتر لرزید. برای فهم ملموس‌تر قدرت تخریب این مقیاس فرمولی وجود دارد. طبق این فرمول میزان انرژی آزادشده این زلزله بدون در نظر گرفتن زمان آن معادل ۲۰۱ هزار تن تی‌ان‌تی است. در منابع موجود زمین‌لرزه بهمن ۱۲۸۷ دشت سیلاخور با نام رسمی زمین‌لرزه بروجرد ثبت شده است.

داده‌های مستند کمی از آن زمین‌لرزه در دست است، اما همه آنچه حالا عنوان آمار رسمی را بر خود دارد نشان می‌دهد این زلزله در ساعت ۶ بامداد سوم بهمن ۱۲۸۷ دره درب آستانه - سیلاخور - واقع در جنوب شرقی بروجرد را در هم کوبیده است. به گواه آمارها به‌واسطه این زلزله بین ۶۰۰۰ تا ۸۰۰۰ نفر جان باخته‌اند. هر چند از نگاه مرگ و میر این زمین‌لرزه در زمره زمین‌لرزه‌های سهمگین ایران قرار نمی‌گیرد، اما از منظر قدرت هنوز هم یکی از مهیب‌ترین‌های زمین‌لرزه‌های تاریخ ایران است.

۱۳۴۱، بویین‌زهرا- ۷/۲ ریشتر

هر چه پیشتر می‌آییم به‌دلیل گسترش شهرنشینی و بالارفتن تراکم جمعیتی به تعداد کشته‌های زمین‌لرزه اضافه می‌شود. شهریور ۱۳۴۱ هم سالی است که ایران شاهد یکی از مهیب‌ترین زمین‌لرزه‌های تاریخش است. شبی که زمین بویین‌زهرا با قدرتی معادل ۷/۲ ریشتر لرزید تا یکی از بدترین و فاجعه‌بارترین حوادث طبیعی ثبت‌شده در تاریخ ایران را رقم بزند. ۱۰ شهریور، دقایقی مانده به ساعت ۱۱ شب، گسل موسوم به اپیک فعال شد و زلزله‌ای را که شدت آن به ۷/۲ ریشتر می‌رسید، ایجاد کرد. شدت آن به حدی بود که در تبریز و یزد و بهبهان هم احساس شد، بر تراز آب دریای خزر تاثیر گذاشت و به مناطقی از شهر تهران هم آسیب‌هایی زد. این فاجعه جز ویران‌کردن شهر بویین‌زهرا، جان بیش از ۱۲ هزار نفر را گرفت (هرچند آمار دیگری هم هست که قربانیان را تا ۲۰ هزار نفر برآورد می‌کند) و چند هزار زخمی به جای گذاشت و چند ده هزار نفر را هم بی‌خانمان کرد.

۱۳۵۷، طبس- ۷/۷ ریشتر

شهریور ۱۳۵۷ شهر طبس با خاک یکسان شد. برخی منابع موجود شدت این زمین‌لرزه را ۷/۴ و در برخی دیگر از منابع شدت آن را تا ۷/۷ ریشتر برآورد کرده‌اند، اما در همه منابع موجود اتفاق نظری در رابطه با زلزله طبس وجود دارد مبنی بر این‌که همه کارشناسان معتقدند زمین‌لرزه طبس قدرتمندترین زلزله‌ای است که تا به امروز در تاریخ ایران ثبت شده است. این حادثه با گسل زمین‌لرزه‌ای به طول حدود ۸۰ کیلومتر و عمق حدود ۱۰ کیلومتر همراه بود. کشته‌های این زلزله را بین ۱۵ تا ۲۵ هزار نفر اعلام کرده‌اند و این در حالی است که به علت شدت تخریب ساختمان‌ها و شدت بالای زلزله بسیاری از اجساد هرگز پیدا نشدند.

۱۳۶۹، رودبار- ۷/۴ ریشتر

زلزله هیچ‌وقت برای مردمان منطقه زلزله‌دیده تمام نمی‌شود. خاطره زلزله سال ۶۹ رودبار و منجیل هم از این قاعده مستثنا نیست.

کودکان آن سال حالا میانسالانی هستند که هنوز با وحشت و غم از روزهای تابستان ۶۹ ایران یاد می‌کنند. بامداد ۳۱ خرداد ۱۳۶۹ زلزله‌ای با قدرت ۷/۴ ریشتر برخی شهرهای استان گیلان را درگیر کرد به طوری که شهرهای رودبار، منجیل، لوشان و ۷۰۰ روستای اطراف را به نابودی کشاند و به ۳۰۰ روستا خسارت عمده وارد شد. در این زلزله بیش از ۳۵ هزار نفر کشته و ۵۰۰ هزار نفر بی‌خانمان شدند و صد هزار خانه خشتی نیز با خاک یکسان شد.